

بسم الله الرحمن الرحيم

تهدیدهای اجرای پروژه گاپ

برای ایران و منطقه

چکیده

۱. پروژه سدهای گاپ از حدود ۴۰ سال پیش در جنوب شرقی ترکیه، با احداث ۲۲ سد بر روی رودخانه‌های دجله و فرات آغاز شده است. این پروژه حق‌آبه سایر کشورهای غرب آسیا از دجله و فرات را نادیده گرفته و با تقلیل محسوس منابع آبی کشورهای عراق و سوریه منجر به تغییر اکوسیستم این دو کشور و بحران بی‌آبی و خشک شدن تالاب‌های مرکزی در این کشورها شده است.

۲. در این راستا، ترکیه با بهره‌برداری از سد ایلیسو ۱۰.۴ میلیارد مترمکعب آب دجله را ذخیره می‌نماید که نتیجه مستقیم آن کاهش ورود آب به کشورهای همسایه ایران بوده است. در حال حاضر، ورود آب از ترکیه به عراق به شدت کاهش یافته و از ۵۱ میلیارد به ۱۱ میلیارد مترمکعب رسیده است. بنابراین، دشت‌ها و تالاب‌های سوریه و عراق به‌ویژه تالاب هورالعظیم عراق خشک شده است. با خشک شدن مراتع و دشت‌های

مرکزی این دو کشور به‌ویژه عراق، سرچشمه‌های ریزگردهایی که مقصدشان استان‌های غربی ایران است، چندین برابر شده و معضلات زیست‌محیطی زیادی برای شهروندان و دولت ایران ایجاد کرده است.

۳. در کنار اهداف اقتصادی و اهداف معطوف به سیاست داخلی، ترکیه با اجرای این پروژه در سیاست خارجی خود درصدد تحقق این اهداف است: کاهش وابستگی دولت ترکیه به برق و محصولات کشاورزی همسایگان، افزایش قدرت چانه‌زنی ترکیه در موضوعات سیاسی منطقه با اهرم آب، تأمین نیازهای انرژی ترکیه با راهبرد آب در برابر نفت و زمینه‌سازی برای پیشبرد پروژه نوعثمانی‌گرایی ترکیه.

۴. صهیونیست‌ها با دوهدف عمده همکاری با ترکیه در اجرای پروژه گاپ ر انتخاب کرده‌اند: ۱- دامن زدن به اختلافات در منطقه و در نتیجه تضعیف محور مقاومت ۲- نیاز رژیم صهیونیستی به منابع آبی.

تهدیدهای اجرای پروژه گاپ

برای ایران و منطقه

مقدمه

پدیده ریزگردها و آلودگی هوا بویژه در مناطق غربی کشور چند سالی است که به یکی از مهمترین نگرانی‌های مردم این مناطق تبدیل شده است. با این حال، امسال شدت پدیده ریزگردها بحدی بود که هنوز فصل گرما آغاز نشده، امواج آن به تهران و حتی شهرهای نیمه‌ی شرقی کشور نیز رسید. در کنار عواملی مانند کمبود بارش، یکی از مهمترین دلایل این پدیده، خشک شدن اراضی عراق و سوریه در اثر اجرای پروژه گاپ از سوی ترکیه است؛ پروژه‌ای که در راستای اهداف سیاسی ترکیه بوده و می‌تواند تبعات زیست‌محیطی، اقتصادی و سیاسی - امنیتی متعددی در پی داشته باشد. توجه به این موضوع بویژه از آن روی اهمیت دارد که می‌تواند تهدیدی جدی حتی برای امکان زیست در مناطق غربی کشور باشد.

در توضیح باید گفت با فراگیر شدن مفهوم امنیت و گسترش دامنه آن به ابعاد سیاسی، زیست محیطی، فرهنگی و اقتصادی، می‌توان وضعیت منطقه را از لحاظ خشکسالی و وجود ریزدگردها که در نتیجه کمبود آب بوجود آمده است، یک بحران امنیتی زیست محیطی در نظر گرفت. بحرانی که

مدیریت و کاهش تبعات آن از طریق همگرایی و درک متقابل وضعیت تک تک بازیگران در منطقه امکان‌پذیر خواهد بود. برای درک بهتر بحران زیست محیطی در منطقه بخصوص کشور خودمان، کافی است به وجود ریزگردها در روزها و هفته‌های اخیر توجه شود؛ بحرانی که محدوده آن تقریباً کل کشور را فراگرفته بود. البته این وضعیت با توجه به نزدیکی تابستان و عدم بارندگی در این فصل تداوم خواهد داشت. از این رو، پرسش از علل ایجاد این بحران زیست محیطی و چگونگی حل و رفع آن، یکی از مهمترین مسائلی است که نیازمند بررسی و واکاوی دقیق و علمی می‌باشد. تلاش متن حاضر معطوف به این مسأله است.

وضعیت منابع آبی و اقلیم در غرب آسیا

منطقه غرب آسیا را می‌توان یک مجموعه امنیتی با وضعیتی پیچیده به شمار آورد که حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، باعث پیچیده‌تر شدن وضعیت آن شده و آن را به یکی از مناطق بحرانی نظام بین‌الملل تبدیل کرده است. مهمترین عامل بحران در مجموعه امنیتی غرب آسیا، «احساس ناامنی» است. شرایط حاکم بر منطقه شکننده بوده که اختلافات مرزی-سرزمینی، اقلیم-های متفاوت (از خشک و سوزان تا مدیترانه‌ای)، اقتصادهای شکننده و رانتی، ساختارهای سیاسی ناهمگون (از افراط‌گرایی مذهبی تا سکولار)،

جمعیت ناهمگون، فرقه‌های توحیدی و غیرتوحیدی، دارا بودن منابع متنوع و غیره از جمله علل این وضعیت است.

غرب آسیا منطقه‌ای گرم و خشک محسوب می‌شود و منابع آب قابل استفاده برای شرب و مصارف کشاورزی در آن اندک است. بر اساس معیارهای سازمان ملل، بسیاری از کشورهای این منطقه در زیر خط فقر آبی قرار دارند. در عین حال، در کشورهای این حوزه، رشد تصاعدی جمعیت، تغییرات آب و هوایی، افزایش دوره‌های خشکسالی، کاهش منابع آبی و بالارفتن دما، بحران آبی را تشدید کرده است. با وجود اینکه منطقه غرب آسیا در طول تاریخ به عنوان منطقه‌ای خشک و کم آب شناخته شده، سیستم کشاورزی آن در اغلب موارد سنتی است که وابستگی به منابع آبی را بیشتر می‌کند. ارزیابی دانشمندان پانل بین دولتی تغییر اقلیم سازمان ملل، نشان می‌دهد منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به منطقه‌ای گرم و خشک‌تر از آنچه که در حال حاضر هست، مبدل خواهد شود. همچنین ارزیابی شده است تا سال ۲۰۵۰ میلادی بین ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر در این منطقه در معرض تنش و منازعه شدید آبی قرار خواهند گرفت. از سوی دیگر، تولید محصولات کشاورزی به طور محسوسی کاهش می‌یابد، بیابان‌زایی و در پی آن بالارفتن خسارت ریزگردها، شیوع بیماری‌های تنفسی و سرطانی، کمبود منابع درآمدی، افزایش بیکاری، تشدید آسیب به صنعت گردشگری و همزمان با آن، افزایش جمعیت و سوءتغذیه، تغییرات محیط زیستی و

اقلیمی از جمله افزایش طوفان نمک و شن، بالا آمدن سطح آب دریاها تا سال ۲۰۵۰ میلادی، افزایش تخریب در اثر سیل و از بین رفتن پوشش جنگل‌ها و مراتع رخ می‌دهد.^۱ در چنین منطقه‌ای، کشور ترکیه اقدام به توسعه منابع آبی خود از طریق اجرای سیاست سدسازی تحت عنوان پروژه گاپ کرده است.

پروژه گاپ

پروژه گاپ در ترکیه از اوایل دهه ۱۹۷۰ با هدف ارتقای توسعه در نُه استان کردنشین این کشور شامل؛ «آدیامان»، «باتمان»، «دیاربکر»، «غازی‌عینتاپ»، «کیلیس»، «سیرت»، «شانلی‌اورفه»، «ماردین» و «شرناق» آغاز شد. این پروژه شامل احداث ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه برق آبی بر روی رودخانه‌های دجله و فرات و انشعابات آن می‌شود. در پایان سال ۲۰۱۹ دولت ترکیه که ۳۲ میلیارد دلار در پروژه گاپ سرمایه‌گذاری کرده است، توانست از هشت سد بر روی دجله و ۱۴ سد بر روی فرات بهره‌برداری کند. طبق آنچه در اسناد پروژه گاپ آمده است، اهداف این پروژه در چهار بُعد قابل تعریف است:

^۱. امیر قدسی (۱۳۹۶)، نظلم ژئوپلیتیکی غرب آسیا و نظم مطلوب منطقه‌ای ایران، فصلنامه

الف: اهداف سیاسی داخلی: مهمترین اهداف سیاسی داخلی ترکیه از اجرای پروژه گاپ عبارت‌اند از:

۱- پایین آوردن توان عضوگیری سازمان‌های کُردی: طبق اعلام رسمی دولت ترکیه، هر ساله تعداد زیادی از جوانان کُردی در این کشور عضو سازمان‌های کُردی از جمله پ ک ک می‌شود که این امر، اقدام علیه امنیت ملی ترکیه محسوب می‌شود. از این رو، ترکیه درصدد است تا با اجرای پروژه گاپ، از این وضعیت جلوگیری کند.

۲- کاهش تنش میان اقلیت کُردی و اکثریت ترک ترکیه

۳- ایجاد تمایز میان کردهای ترکیه و کشورهای همسایه و کاهش خطر گرایش‌های تجزیه‌طلبانه

ب: اهداف سیاسی خارجی: ترکیه با اجرای پروژه گاپ در سیاست خارجی خود درصدد تحقق اهداف زیر می‌باشد:

۱- کاهش وابستگی دولت ترکیه به برق و محصولات کشاورزی همسایگان
۲- افزایش قدرت چانه‌زنی ترکیه در موضوعات سیاسی منطقه با اهرم آب:
در این زمینه، در سال ۱۹۹۲ نخست‌وزیر وقت ترکیه سلیمان دمیرل گفت: «تا زمانی که کشورهای عراق و سوریه با «پکک» همکاری می‌کنند بر سر میز مذاکره درباره آب نخواهد نشست». بدین ترتیب، ترکیه به دنبال استفاده از این منبع حیاتی به عنوان ابزاری است تا بتواند با تغییر نقشه هیدروپلیتیک این مناطق بر شرایط ژئواستراتژیک مناطق مزبور تاثیر گذارده

و با مطرح نمودن خود در منطقه به عنوان یک هیدروژمون، در جستجوی برپا نمودن مجدد پایه‌های امپراطوری عثمانی باشد.

۳- تأمین نیازهای انرژی ترکیه با راهبرد آب در برابر نفت: بین ترتیب که ترکیه با اجرای پروژه گپ درصدد است تا در آینده در ازای دادن آب به همسایگان، از آنها نفت دریافت کند.

۴. زمینه‌سازی برای پیشبرد پروژه نوعثمانی‌گرایی ترکیه که در ادامه به آن می‌پردازیم.

ج: اهداف اقتصادی: اهداف اقتصادی ترکیه از اجرای این پروژه شامل موارد زیر است:

۱- توسعه کشاورزی مدرن

۲- تأمین آب مورد نیاز برای آبیاری ۱.۹ میلیون هکتار زمین کشاورزی

۳- تأمین ۲۵ درصد برق کشور (ظرفیت تولید روزانه نیروگاه‌های احداث شده براساس این پروژه، ۷۴۷۶ مگاوات برق است که سالانه به ۲۷ میلیارد کیلووات ساعت می‌رسد).

د: اهداف اجتماعی: اهداف اجتماعی ترکیه از اجرای این پروژه شامل موارد زیر است:

۱- ارتقای سطح بهداشت عمومی

۲- کاهش شکاف‌های مبتنی بر بازتوزیع کالا و خدمات در مناطق کردی: گرچه کشور ترکیه در ظاهر اعلام کرده است که به دنبال خدمات‌رسانی در

مناطق کردی است، اما با در نظر گرفتن رویکرد عملی ترکیه در قبال کردها، از فریب بودن این سیاست می‌توان سخن گفت. در واقع، رصد سیاست اعمالی ترکیه در چند سال اخیر، بیانگر این نکته است که برخورد با اقلیت کردها در این کشور همواره با نگاه تبعیض‌آمیز بوده است.

پروژه سدسازی گاپ راهی جدید برای نوعثمانی‌گری ترکیه

زمانی که ترکیه، شمال قبرس را اشغال کرد، تحلیل‌گران یونانی از این عمل با عنوان «نوعثمانی‌گری در سیاست خارجی دولت ترکیه» یاد کردند. این اصطلاح یک بار دیگر در دوران «تورگوت اوزال» در سخنرانی رئیس جمهوری ترکیه استفاده شد. با پیروزی حزب عدالت و توسعه و روی کار آمدن رجب اردوغان در ترکیه، تغییرات جدی در رفتار خارجی این کشور در قبال مسائل پیرامونی و بین‌المللی شکل گرفت که حاکی از استیلا رویکرد نوعثمانی‌گری در سیاست خارجی این کشور است. در این راستا، ترکیه به دنبال حداکثرسازی مطلوبیت‌های خود بر اساس متغیرهای تاریخی و هویتی در سطح منطقه و جهان است. نتیجه این تغییرات، فعال‌تر شدن در منازعه فلسطین و رژیم صهیونیستی، نقش‌آفرینی جدی در منازعه قره‌باغ، تلاش برای حضور در سوریه و ... است. همچنین در قالب مأموریت ناتو در افغانستان و نیروهای سازمان ملل مستقر در لبنان مشارکت نموده و در سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان کنفرانس اسلامی، نقش فعال‌تری ایفا نموده است.

بنابراین، با توجه به پیش‌بینی‌ها درخصوص آینده شرایط اقلیمی در غرب آسیا و سرمایه‌گذاری عظیم ترکیه در پروژه سدسازی گاپ، دور از انتظار نیست که آنکار مبتنی بر رویکرد نوعثمانی‌گری به دنبال قبضه کلید جریان آب، در آینده بی‌آب غرب آسیا باشد تا اهداف توسعه‌طلبانه منطقه‌ای خود را دنبال نماید. برای مثال در سال ۱۹۹۲ نخست‌وزیر وقت ترکیه سلیمان دمیرل گفت: «تا زمانی که کشورهای عراق و سوریه با «پ‌ک‌ک» همکاری می‌کنند بر سر میز مذاکره درباره آب نخواهد نشست» بدین ترتیب، ترکیه به دنبال استفاده از این منبع حیاتی به عنوان ابزاری است تا بتواند با تغییر نقشه هیدروپلیتیک این مناطق بر شرایط ژئواستراتژیک مناطق مزبور تاثیر گذارده و با مطرح نمودن خود در منطقه به عنوان یک هیدروهمژمون، در جستجوی برپا نمودن مجدد پایه‌های امپراطوری عثمانی باشد.

در گزارش وزارت امور خارجه ترکیه در خصوص منابع آبی این گونه بیان شده که سیاست منابع آبی ترکیه در راستای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی، امنیت آبی و مواد غذایی است و بدین ترتیب براساس روند مذاکرات با اتحادیه اروپا و تحولات منطقه صورت می‌گیرد. مساله حایز اهمیت دیگر این مسئله است که تولید انرژی برق از منابع آبی پروژه گاپ، نیاز ترکیه به خرید نفت را به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد و حدود ۴۰٪ انرژی جایگزین سوخت فسیلی را تامین می‌نماید. در نتیجه وابستگی این کشور به همسایگان خود برای تامین انرژی کاسته می‌شود و جایگاه آن

در سیاست خارجی منطقه‌ای تقویت می‌شود. اگرچه بحث نوع‌ثمانی‌گری، هویتی و فرهنگی است ولی باید در نظر داشت کشوری می‌تواند از نظر فرهنگی مقدم و پیشرو شود که الزامات اولیه در درون کشورش به لحاظ اقتصادی تامین شده باشد.

محور اعتراضات به پروژه گاپ

با اعلام آغاز پروژه گاپ، هم در سطح داخلی ترکیه و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی اعتراضاتی علیه آن انجام گرفت که به شرح زیر است:

الف) در سطح داخلی

۱. کردهای منطقه جنوبی شرقی آناتولی: علی‌رغم اعلام اولیه دولت ترکیه مبنی بر اینکه با اجرای این پروژه وضعیت معیشتی و اجتماعی کردها در نه استان مذکور بهتر خواهد شد، ولی کردها پروژه گاپ را اقدامی سیاسی و نه عمرانی می‌دانند که به دنبال ایجاد تمایز میان کردهای ترکیه با کردهای کشورهای همسایه است؛ آنها معتقدند هدف اصلی و پنهان این پروژه، ادغام کردهای ترکیه در جامعه و هویت ترکی این کشور است. از طرفی کردهای ترکیه این پروژه را موجب آواره شدن خود می‌دانند؛ زیرا اجرای این پروژه، چندین شهر باستانی را در مناطق کردنشین ترکیه زیر آب فرو خواهد برد و ضمن از بین بردن درآمدهای گردشگری آنان، موجب از بین رفتن میراث تاریخی مردم این جوامع خواهد شد.

۲. روزنامه‌نگاران و دانشگاہیان ترکیه: اینان نگران تخریب آثار باستانی و فرهنگی ترکیه و آسیب‌های زیست‌محیطی آن در داخل ترکیه و همچنین تأثیرات منطقه‌ای بر روابط ترکیه با دیگر همسایگان و پیامدهای سوء آن در محیط زیست و جمعیت همسایگان هستند. بر اساس برآورد سازمان‌های اروپایی و آمریکایی، با اجرای این پروژه ۷۸ هزار نفر در ترکیه آواره می‌شوند که غالب آن‌ها از قومیت کرد هستند؛ این امر می‌تواند به گسترش نزاع‌های قومی در ترکیه منجر شود. همچنین ۱۸۳ روستا و شهر کوچک به زیر آب فرو می‌رود که دو شهر آن قدمتی ۱۲ هزار ساله دارند؛ معروف‌ترین شهر باستانی این ناحیه «حسنکیف» (حصن کیفا) نام دارد.

ب) سطح منطقه‌ای

در سطح منطقه‌ای، عراق، سوریه و ایران سه کشور معترض به اجرای پروژه گاپ هستند. توضیح آنکه وقتی دولت ترکیه در اوایل دهه ۱۹۷۰ اعلام کرد قصد اجرای این پروژه را دارد، با واکنش شدید دولت‌های عراق (صدام حسین) و سوریه (حافظ اسد) مواجه شد و به این ترتیب اجرای پروژه به تعویق افتاد. دولت ترکیه در سال ۱۹۷۸ با هدف مهیا کردن شرایط از سرگیری اجرای پروژه گاپ با دولت سوریه در مورد منابع آبی دجله و فرات قراردادی منعقد کرد که یکی از مفاد آن پذیرش ورود سالانه ۵۰۰ متر مکعب در ثانیه آب به سوریه بود. با شروع تحریم‌های بین‌المللی علیه دولت‌های عراق و سوریه در دو دهه گذشته و حمله خارجی (عراق

۲۰۰۳) و همچنین جنگ‌های داخلی در این دو کشور (عراق ۲۰۱۴-۲۰۱۷ و سوریه از ۲۰۱۱ تاکنون) که منجر به تضعیف دولت‌های نامبرده شد، ترکیه اجرای پروژه سدسازی را با سرعت به پیش برد.

براساس زمان‌بندی اعلام‌شده دولت ترکیه، این پروژه در سال ۲۰۱۹ به بهره‌برداری رسید و با بهره‌برداری از این پروژه آب وارد شده به کشورهای عراق و سوریه به شدت کاهش یافته است. برای مثال ترکیه بهره‌برداری از دو سد «آتاتورک» و «ایلیسو» را در سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۱۸ آغاز کرد و توانست به وسیله سد آتاتورک ۵۰ میلیارد مترمکعب آب ذخیره کند و پیش‌بینی می‌شود با بهره‌برداری از سد ایلیسو که ۱۸۱۰ متر طول و ۱۳۵ متر ارتفاع دارد ۱۰۴ میلیارد مترمکعب آب دجله را ذخیره نماید که نتیجه مستقیم آن کاهش ورود آب به کشورهای همسایه ایران بوده است. در حال حاضر، ورود آب از ترکیه به عراق به شدت کاهش یافته و از ۵۱ میلیارد به ۱۱ میلیارد مترمکعب رسیده است. بنابراین، دشت‌ها و تالاب‌های سوریه و عراق به‌ویژه تالاب هورالعظیم عراق خشک شده است. با خشک شدن مراتع و دشت‌های مرکزی این دو کشور به‌ویژه عراق، سرچشمه‌های ریزگردهایی که مقصدشان استان‌های غربی ایران است، چندین برابر شده و معضلات زیست‌محیطی زیادی برای شهروندان و دولت ایران ایجاد کرده است که به موضع‌گیری مقامات سیاسی کشور منجر شده است.

توجه به این مسأله ضروری است که دجله و فرات، نقش مهمی در زیست‌بوم کشورهای عراق، سوریه و ایران داشته است و با امنیت این کشورها نیز ارتباط وثیقی دارند، به‌گونه‌ای که ترکیه، عراق و سوریه منطقه‌ای «هیدرو سیاسی» را تشکیل می‌دهند و هر تحولی در هر یک از حوزه‌های مذکور رخ دهد، به تغییر در حوزه‌های دیگر منجر می‌شود. بنابراین مشکلات امنیتی این سه کشور باید در کنار یکدیگر تجزیه و تحلیل کرد.^۲

رژیم صهیونیستی تنها حامی گاپ

صهیونیست‌ها با دوهدف عمده همکاری با ترکیه در اجرای پروژه گاپ را انتخاب کرده‌اند:

۱. **دامن زدن به اختلافات در منطقه و در نتیجه تضعیف محور مقاومت:** توجه به این موضوع ضروری است که سه کشور عراق و سوریه و جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشورهای محور مقاومت در جریان اجرایی شدن سیاست سدسازی ترکیه بیشترین آسیب را خواهند دید و این برای صهیونیست‌ها امیدوار کننده است.

^۲. علی قائم مقامی (۱۳۹۶)، بحران آب و آب‌های جاری فرامرزی ترکیه و امنیت ملی و

محیط زیست ایران، فصلنامه مطالعات منافع ایران، شماره ۷

۲. **نیاز رژیم صهیونیستی به منابع آبی:** با توجه به فقر سرزمین‌های اشغالی از لحاظ آبی (این سرزمین‌ها طبق آمار سازمان ملل زیر ۵۰۰ مترمکعب آب دارند) که این موضوع یکی از پاشنه آشیل‌های صهیونیست‌ها محسوب می‌شود، رژیم صهیونیستی برای توسعه کشاورزی و صنعت خود به منابع آبی نیاز دارد و جهت تأمین آن اقدام به حضور پرهزینه نظامی در کرانه باختری رود اردن و تنش با لبنان و اردن کرده، لذا از اجرای این پروژه حمایت کرده است؛ زیرا ارتقای ظرفیت‌های آبی دولت ترکیه به‌عنوان دولتی که با آن روابط گسترده اطلاعاتی و تجاری دارد، می‌تواند نیازهای آبی این رژیم را هم تأمین کند. بنابراین، علی‌رغم مخالفت جامعه جهانی با همکاری شرکت‌ها و کشورهای مختلف با پروژه گاپ، رژیم صهیونیستی به‌وسیله شرکت‌های مهندسی‌اش، بخشی از تکنولوژی لازم برای اجرای این پروژه را در اختیار دولت ترکیه قرار داده است.

تهدیدات گاپ برای جمهوری اسلامی ایران و منطقه غرب آسیا

طبق گزارش سازمان یونسکو در سال ۲۰۱۲ تنها کمتر از یک درصد کل منابع آب کره زمین شیرین است و حدود ۶۳ درصد از کل منابع آب شیرین به صورت یخ در یخچال‌های قطب شمال، قطب جنوب و یخچال‌های کوهستانی، خارج از دسترس مستقیم انسان قرار دارد. کشورهای برزیل، روسیه، چین، کانادا، اندونزی، آمریکا، هند، کلمبیا و جمهوری دموکراتیک کنگو، ۶۱ درصد کل منابع شناخته شده آب شیرین را در اختیار دارند.

در این میان، منطقه غرب آسیا از نظر آب شیرین بسیار فقیر است. از این رو، طبق پیش‌بینی کارشناسان جدی بودن بحران آب در غرب آسیا به گونه‌ای است که در ۱۱ سال آینده بسیاری از کشورها قادر نخواهند بود آب مورد نیاز کشاورزی، صنعتی، آشامیدنی و دیگر مصارف خود را تأمین کنند. در وضعیت فعلی نیز بیش از ۲۶ کشور در جهان کمبود آب دارند که ۹ کشور آنها در غرب آسیا قرار دارد. غرب آسیا خانه شش درصد جمعیت جهان است و از سویی تنها یک درصد آب شیرین جهان را در خود جای داده است. بنابراین، شواهد بسیاری حاکی از آن است که بحران آب در ایران و منطقه غرب آسیا در سال‌های آتی به تهدید جدی امنیتی و تمدنی مبدل خواهد شد تا جایی که نظم سیاسی موجود در منطقه را دگرگون خواهد کرد، منازعات قومی و جنگ‌های داخلی را تشدید می‌کند و کشورهای عراق، سوریه، ایران و ترکیه را درگیر مناقشات منطقه‌ای می‌کند.

در این راستا، در دو دهه اخیر، استان‌های غربی و جنوب غربی ایران با بحران افزایش دما و پدیده ریزگردها مواجه شده‌اند که روزبه‌روز تشدید می‌شود تا جایی که در سال‌های اخیر به بحرانی زیست‌محیطی در کشور تبدیل شده است. بر اساس برآوردها، با بهره‌برداری کامل از پروژه گاپ، منابع آبی که از ترکیه وارد سوریه می‌شوند، ۴۰٪ و منابع وارداتی به عراق ۸۰٪ کاهش می‌یابند؛ به این ترتیب، نه تنها دو کشور یادشده با مشکل جدی مواجه می‌شوند، بلکه ایران نیز به دلیل خشکی بیش از حد دشت‌های

سوریه و دشت‌های مرکزی عراق و چند برابر شدن سرچشمه‌های ریزگردها، با افزایش بی‌سابقه دما و بحران ریزگردها مواجه خواهد شد. به همین دلیل، حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت در سال ۱۳۹۶ به‌صراحت از پروژه سدسازی ترکیه و آثار مخرب آن در ایران و دیگر کشورهای منطقه انتقاد کرد. ایشان در نطقی گفتند: "احداث سد و بندها بدون مطالعه کافی و در نظر گرفتن آثار زیست‌محیطی آن می‌تواند برای آینده منطقه خطرناک باشد؛ لذا باید بسیاری از این‌گونه فعالیت‌ها متوقف شود" (روزنامه شرق، ۱۳۹۶: ۳). وزیر وقت نیرو کشورمان نیز در موضعی همسو با رئیس‌جمهور وقت اعلام کرد: «در آینده نزدیک، منابع آبی غرب آسیا ۱۰٪ کاهش و به‌موازات آن تقاضا برای آب ۶۰٪ افزایش خواهد یافت.»

به‌رغم این اعتراضات، مقامات سیاسی و دیپلماتیک ترکیه حاضر به پذیرش مسئولیت خود در قبال بحران محیط زیستی ایران نشده‌اند و سفیر ترکیه در تهران ضمن رد اعتراضات مقامات ایرانی، آن‌ها را فاقد سند محکم دانسته و خواستار ارائه اسناد دقیقی در خصوص تأثیر سدسازی ترکیه بر ایجاد مشکل گرد و غبار در استان‌های مرزی ایران شده است. مقامات آنکارا حتی مشارکت سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه را نیز رد کرده‌اند. آن‌ها معتقدند آب دجله و فرات و مسئله سدسازی جزء حقوق اساسی ترکیه است، قابل واگذاری به دیگر کشورها نبوده و نیازی نیست با سازمان‌های بین‌المللی به مشورت گذاشته شود. مشکل زمانی بیشتر می‌شود که دولت

ترکیه آگاهانه از پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص استفاده مشترک از آبراهه‌ها سرباز زده است. این مسئله زمینه را برای اقدام یک‌جانبه دولت ترکیه در بهره‌برداری از منابع آبی دجله و فرات فراهم کرده است.

در مجموع، تهدیدات این پروژه برای جمهوری اسلامی ایران در سه حوزه قابل بحث می‌باشد:

الف: تهدیدات سیاسی: این تهدیدات شامل موارد زیر است:

۱- فعال کردن شکاف‌های قومیتی میان نظام جمهوری اسلامی ایران و اقلیت‌های قومی عرب، کرد و بختیاری.

۲- ایجاد و تقویت گرایش‌های تجزیه‌طلبی در غرب و جنوب غربی کشور و ناامن کردن مرزهای غربی کشور و بالا بردن آسیب‌پذیری نظام در برابر تروریسم تکفیری.

۳- بی‌ثباتی در عراق که علاوه بر تضعیف جبهه مقاومت بر ثبات و امنیت ایران نیز تأثیر مستقیم خواهد داشت.

۴- افزایش تنش‌های آبی بین ایران و عراق بر سر منابع و حوضچه‌های آبی مشترک.

۵- القای ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح داخلی و منطقه‌ای از طریق ایجاد فضای کنشگری برای رسانه‌های غربی، عربی و عبری برای فضاسازی تبلیغاتی علیه ایران. (برای مثال صهیونیست‌ها این

گردوغبار را نشانه مجازات الهی خداوند برای جمهوری اسلامی ایران به دلیل فعالیت‌هایش علیه این رژیم دانسته‌اند)

ب: تهدیدات اقتصادی: شامل موارد زیر است:

۱- مهاجرت نیروی متخصص در بخش‌های مختلف از جمله پزشکی و فنی- مهندسی از استان‌های غربی و جنوب غربی به فلات مرکزی ایران.

۲- کمبود نیروی کار در بخش کشاورزی و کاهش صادرات استان حاصلخیز خوزستان (سهم عمده ای از نیاز داخلی و صادرات کشاورزی ایران از طریق استان خوزستان است). همچنین کاهش نیروی متخصص در بخش استخراج نفت و ایجاد اختلال در این صنعت حساس

۳- ایجاد هزینه‌های سنگین در ردیف بودجه‌ای کشور برای مقابله با پدیده ریزگردها.

۴- رواج برخی بیماری‌ها که اثرات هزینه‌ای برای دولت هم در پی خواهد داشت.

ج: تهدیدات اجتماعی: شامل این موارد است:

۱- مهاجرت گسترده جمعیت از استان‌های غربی و جنوب غربی کشور و افزایش ضریب ناامنی در این استان‌ها.

۲- افزایش حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ مرکزی و در نتیجه افزایش آسیب‌های اجتماعی در شهرهای بزرگ.

۳- افزایش فقر و بزهکاری در شهرهای غرب و جنوب غربی.

عراق و پروژه گاپ

از منظر سیاسی پروژه گاپ تنش‌های داخلی میان بغداد و اربیل را تشدید می‌کند؛ زیرا اگر اقلیم کردستان به واسطه مجاورت جغرافیایی با مرزهای ترکیه، فارغ از اراده دولت مرکزی اقداماتی برای مهار آب باقی‌مانده و جاری‌شده در خاک عراق انجام دهد که با توجه به فقدان انسجام ساخت سیاسی در بغداد، به تنش خواهد انجامید. در مجموع عراق ادعا می‌کند مسائل و مشکلات زیر در صورت اجرای کامل پروژه گاپ متوجه عراق خواهد شد:

۱. کمبود آب: با اجرای کامل پروژه گاپ، رودخانه فرات ۷۰٪ از آب خود را از دست خواهد داد.

۲. عدم امنیت غذایی: با کاهش آب‌های ورودی به عراق، بخش کشاورزی این کشور آسیب جدی خواهد دید و واردات انواع مختلف مواد غذایی افزایش خواهد یافت و کشور عراق بیش از پیش به کشورهای خارجی وابسته خواهد شد.

۳. نگرانی‌های بهداشتی: با کاهش ورود آب‌های شیرین و عدم تغذیه سفره‌های زیرزمینی، شوری و آلودگی لایه‌های آبدار زیرزمینی افزایش خواهد یافت. آب‌های شور خلیج فارس به دلیل کاهش حجم اروندرود (شط‌العرب) به سمت بصره نفوذ خواهند کرد و کیفیت آب‌های این منطقه را کاهش خواهند داد. در نتیجه، مرگ‌ومیر انواع جانوران از جمله ماهی‌ها افزایش

خواهد یافت؛ تا جایی که از دهه ۱۹۹۰ تاکنون جمعیت ماهی‌های این منطقه به نصف کاهش یافته است.

سوریه و پروژه گاپ

آب‌گیری بیش از حد معمول در سد آتاتورک توسط ترکیه در کنار فقدان کفایت لازم از سوی دولت سوریه جهت مدیریت منابع آب زیرزمینی و سطحی، سبب خشک‌سالی در سال‌های پس از ۲۰۰۶ در سوریه شد که تبعات امنیتی جدی بر وضعیت سوریه گذاشته است. طی این خشک‌سالی در شمالی شرقی سوریه، حدود ۸۵٪ احشام تلف شده و ۷۵٪ کشاورزان محصولاتشان را از دست دادند و در نتیجه تا سال ۲۰۱۰ نزدیک به یک میلیون نفر از موطن خویش مهاجرت کردند. مسأله‌ای که موجب گرانی ۳۰٪ مواد غذایی شد و دولت سوریه را وادار به هزینه‌کرد گزافی در حوزه واردات گندم ساخت.^۳ این مسئله از منظر بسیاری در حکم جرقه جنگ داخلی سوریه بوده است.

در همین راستا، تکمیل سدهای طراحی شده بر فرات و تقویت هژمونی آن در حوزه منابع طبیعی، توان چانه‌زنی دولت ترکیه در مذاکرات مرتبط با

^۳. شهریار بدیعی، (۱۳۹۴)، تأثیر تغییرات اقلیمی در آغاز جنگ سوریه، ماهنامه

تعیین آینده سیاسی سوریه را نیز تقویت کرده است. مسأله‌ای که می‌تواند در راستای استقرار نیروهای نزدیک به ترکیه در مناطق شمالی سوریه و ایجاد کمربندی جهت مقابله با نفوذ گروه‌های کُردی مورد استفاده قرار بگیرد. همچنین اختلافات آبی میان عراق و سوریه بر سر چگونگی سهمیه‌بندی آب ورودی فرات میان این دو کشور نیز تشدید خواهد شد به ویژه که عراق سهمی از سرچشمه‌های این رودخانه ندارد. جالب آن‌که با تکمیل پروژه گاپ، ترکیه آبی را که از منظر طبیعی جزئی از حقوق دولت‌های عراق و سوریه به شمار می‌رود به آنها می‌فروشد تا به این ترتیب بخشی از هزینه‌های بالای این طرح را به طور تدریجی جبران نماید.

ترکیه برخلاف توافق ۱۹۸۷ با سوریه، مقدار بیشتری از آب فرات را برداشت کرده و بایستی حق‌آبه قانونی سوریه را رها سازد تا کشاورزی منطقه آسیب نبیند. چون ترکیه توافق قبلی را نقض کرده، سوریه حق اعتراض دارد. عراق به دلیل درگیری‌های داخلی، فرصت کافی برای مدیریت آب‌های داخلی یا مشترک مثل دجله را نداشته و در برخی سال‌ها با سیلاب‌های ویرانگر و در سال‌های دیگر با خشک‌سالی مواجه بوده است. دولت آنکارا می‌تواند با مهار آب دجله، مقدار ثابتی آب را رها سازد، ولی باید توافقی در این زمینه صورت گیرد تا وضعیتی که برای سوریه پیش آمده، درباره عراق تکرار نشود

سخن پایانی

پروژه سدهای گاپ از حدود ۴۰ سال پیش در جنوب شرقی ترکیه، با احداث ۲۲ سد بر روی رودخانه‌های دجله و فرات آغاز شده است. این پروژه حق‌آبه سایر کشورهای غرب آسیا از دجله و فرات را نادیده گرفته و با تقلیل محسوس منابع آبی کشورهای عراق و سوریه منجر به تغییر اکوسیستم این دو کشور و بحران بی‌آبی و خشک شدن تالاب‌های مرکزی در این کشورها شده است.

این پروژه ضمن تشدید بحران آب، افزایش دما و ریزگردها در استان‌های غربی و جنوب غربی ایران را در پی داشته است. این بحران به‌رغم ماهیت زیست‌محیطی به‌سرعت به بحران سیاسی - امنیتی در استان‌های مرزی ایران تبدیل شده است. آثار سوء داخلی و منطقه‌ای این پروژه باعث واکنش دولت‌های همسایه، نهادهای مدنی ترکیه و سازمان‌های بین‌المللی شده و در مقاطعی مانع ادامه همکاری شرکت‌های اروپایی و آمریکایی با این پروژه گردیده، اما در این میان رژیم صهیونیستی با اهداف داخلی و منطقه‌ای همواره از اقدام دولت ترکیه در این زمینه حمایت کرده است. به نظر می‌رسد دولت ترکیه برای پیشبرد مقاصد سیاسی منطقه‌ای خود درصدد

استفاده از منابع آبی ذخیره‌شده در پشت سد‌های گاپ است. در همین زمینه احتمال پیش گرفتن راهبرد «آب در برابر نفت» از سوی ترکیه، بسیار زیاد است. این راهبرد ضمن تأمین نیازهای انرژی ترکیه، دولت‌های نفت‌خیز منطقه را در حیاتی‌ترین نیازهایش به ترکیه وابسته می‌کند و زمینه را برای احیای سلطه منطقه‌ای دولت ترکیه فراهم می‌سازد. بنظر می‌رسد که با توجه به شرایط اقلیمی پیش رو غرب آسیا، در آینده نزدیک جریان جریان آب در دست ترکیه قرار خواهد گرفت و در آینده بی‌آب منطقه نقش آفرینی این کشور در حوزه امنیت زیست محیطی از هر زمانی برجسته تر شود.